

تحلیل انتقادی دیدگاه تشکیکی - انکاری در مورد وجود تاریخی محمد

رسول الله ﷺ

سید تقی آل محمد^۱، نهله غروی نائینی^۲ و نصرت نیل ساز^۳

چکیده

وجود تاریخی محمد ﷺ یک واقعیت است یا یک توهم؟ از جمله پرسش‌ها و نتایج جسورانه و شکاکانه‌ای است که از دهه هفتاد به بعد در بین جریان استشرافی تجدیدگرا در پی تشکیک در منابع و مصادر اسلامی ظهور یافته و در پی آن، نوشته‌هایی مستقل و پرمخاطب در جهان غرب پیدا کرده است؛ اگرچه غالباً طرح این صنف مسائل در بادی امر، به هدف و مقصود اصلی خویش نائل نمی‌شوند؛ لیکن روحیه تشکیک و تردید در سایر مبادی دین اسلام را در جامعه اسلامی تزریق می‌کنند. در این نوشتار، با روش تحلیلی-توصیفی در تبیین کامل خاستگاه و فرایند شکل‌گیری دیدگاه تشکیکی-انکاری در مورد شخصیت پیامبر اسلام، ضمن اشاره به ادله بنیادی این دیدگاه در تقریر نظریات همچون، عدم ذکر نام محمد در منابع خارجی معاصر با صدر اسلام، بی‌اعتباری و تاریخ نجات بودن میراث روایی اسلامی، ناسازگاری مشخصات جغرافیایی مکه کنونی با محل نشئت اسلام و پیامبرش، تعارض نتایج آزمایش‌های رادیو کربن نسخه‌های خطی قرآن با تاریخ سنتی، با رویکرد تاریخ تطبیقی و روش اقناع و جدل با تکیه بر چندین روایت معتبر از تاریخ جهانی معاصر با صدر اسلام، به‌طور صریح واقعیت تاریخی ایشان مسجل می‌گردد و محلی برای شک و انکار باقی نمی‌گذارد.

کلمات کلیدی: وجود تاریخی محمد ﷺ، شک‌گرایی در منابع اسلامی، استشراف تجدیدگرا، تاریخ جهانی

۱. سید تقی آل محمد، دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) (saidtagi14@gmail.com).

۲. استاد تمام گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس (naeeni_n@modares.ac.ir).

۳. دانشیار تمام گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس (nilsaz@modares.ac.ir).

مقدمه

در مباحث عینی واقعی و از جمله تاریخی، پیش از اینکه یک محمول، صفت، خبر، مسند و یا حکمی به یک موضوع نسبت داده شود، وجود خارجی موضوع به عنوان یک محمول زیربنایی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ چنانکه اگر موضوع منتفی باشد، سایر محمولات و صفات موجود در یک قضیه از جهت حقیقت ارسطویی لغو می‌شود؛ از این رو اولین چالشی که در قضیه نبوت پیامبر اسلام مطرح می‌شود این است که آیا خود شخص محمد ﷺ وجود تاریخی داشته است یا نه؟ که اگر جواب منتفی باشد، رسالت، معجزات و تمام امور منتسب به وی خودبه خود از حیث واقعیت فاقد اعتبار قلمداد می‌شوند و به عبارت دیگر، موضوع و تمام قضایای مبتنی بر آن در قالب خیال یا اسطوره مورد بررسی واقع می‌شوند که در این حالت از باب مجاز به جای شخص از شخصیت بحث می‌شود و تمامی صفات و محمولات منتسب به آن از جهتی خارج از حقیقت ارسطویی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در نگاه فرد مسلمان، این موضوع، یعنی وجود تاریخی پیامبر کاملاً محرز و بدیهی است و به هیچ عنوان احدی را نشاید و نباید که در این مورد بحث و یا سؤالی داشته باشد، جدا از اینکه جرئت ورود به بحث داشته باشد- درحالی که بدون هیچ خط قرمزی پیرامون وجود الله تعالی بحث و جدل می‌شود-؛ اما مستشرقان که بدون هیچ قید و شرطی در مورد حقیقت تاریخی پیامبران خویش؛ چون عیسی، موسی، ابراهیم ﷺ بحث می‌کنند، به طریق اولی در مورد وجود تاریخی پیامبر اسلام ﷺ هم این رویکرد را دنبال می‌نمایند. در ادامه، به دور از تعصب و با رعایت انصاف، دیدگاه این دست از مستشرقان بازگو خواهد شد و در نهایت، دیدگاه انتقادی متعارض هم به همین میزان تبیین می‌گردد.

پیشینه تحقیق

پیشینه بررسی وجود تاریخی پیامبر اسلام ﷺ به دهه‌های اخیر و تحقیق‌های برخی پژوهشگران غربی بازمی‌گردد که با دیدگاهی انتقادی، به بررسی اصالت منابع اسلامی

پرداخته‌اند. محققانی چون رابرت اسپنسر، پاتریشیا کرون و جان ونزبرو و دیگران بر این باورند که روایات اسلامی درباره زندگی و شخصیت پیامبر اسلام ﷺ عمدتاً در دوره‌های پس از صدر اسلام و تحت تأثیر تحولات سیاسی و مذهبی تدوین شده است. آن‌ها معتقدند این روایت‌ها، که در دوره‌های بنی‌امیه و عباسیان بازنویسی شده‌اند، تصویری کاملاً مستقل از وقایع صدر اسلام ارائه نمی‌دهند. اسپنسر در کتاب خود، با تحلیل ساختاری و زمانی روایات، به این نتیجه می‌رسد که برخی از این نقل‌قول‌ها ممکن است بیشتر پاسخی به نیازهای سیاسی و اجتماعی حکومت‌های اسلامی بوده باشند تا بازتاب‌دهنده واقعیت تاریخی. وی بر این اساس، نه تنها به تردید در اصالت این روایات می‌پردازد، بلکه حتی وجود تاریخی پیامبر اسلام را نیز زیر سؤال می‌برد. به باور او، این امکان وجود دارد که شخصیت پیامبر اسلام برساخته‌ای از روایت‌ها و نیازهای سیاسی بوده و بخشی از هویت‌سازی دینی و فرهنگی مسلمانان در دوره‌های متأخرتر باشد.

در برابر این نگاه، سنت اسلامی با تکیه بر منابع گسترده و زنجیره‌های پیوسته روایی، بر اصالت تاریخی شخصیت پیامبر ﷺ تأکید دارد. این دیدگاه بر آن است که انسجام کلی منابع اسلامی و پیوندهای محکم میان زنجیره‌های روایی، همراه با شواهد اخلاقی و اجتماعی، به خوبی وجود تاریخی پیامبر اسلام را تأیید می‌کنند.

پژوهش حاضر، با هدف بررسی واقعیت تاریخی شخصیت پیامبر ﷺ، به تبیین این دورویکرد پرداخته و سعی دارد از طریق شواهد مستقل و منابع غیر اسلامی چون سالنامه‌های بیزانسی، سریانی و ارمنی، به روشنی بیشتری در این زمینه دست یابد. این منابع که در همان دوران صدر اسلام و بدون وابستگی به متون اسلامی تدوین شده‌اند، می‌توانند زاویه دیدی مستقل و متفاوت فراهم کنند و به ارزیابی دقیق‌تری از این موضوع کمک کنند. پژوهش، ضمن تبیین دیدگاه‌های انتقادی و پاسخ‌های سنت اسلامی، می‌کوشد از طریق استناد به شواهد عینی‌تر و منابع تاریخی خارجی، به مسئله پنهان‌کاری‌های احتمالی در برخی منابع مستشرقین بپردازد. علاوه بر این، مسائل و موضوعات تاریخی مهمی در این جستار روشن خواهد شد تا به عنوان

موضوعات پژوهشی مستقل یا مستنداتی برای محققان آینده به کار گرفته شوند. در این میان، سؤال اصلی این است که آیا این منابع تاریخی غیراسلامی می‌توانند به عنوان شواهد مستقلی برای تأیید یا رد وجود تاریخی پیامبر اسلام ﷺ استفاده شوند؟

روش تحقیق

از نگاه منهج تحلیلی، دیدگاه‌های مطرح شده در مورد یک شخص می‌تواند از دو جنبه حقیقی (شخصی) و مقامی (شخصیتی) مورد تحلیل قرار گیرد؛ بعد حقیقی مربوط به اصالت وجودی است و به تبع آن با رویکرد تاریخی به قضیه پرداخته می‌شود و بعد مقامی نیز با رویکردهای مختلفی بسته به نوع مقام مورد بررسی واقع می‌گردد؛ بنابراین با در نظر گرفتن مقام رسالت و نبوت، دیدگاه‌های مطرح شده درباره شخصیت پیامبر اسلام ﷺ را می‌توان در سه رویکرد تاریخی و انسان‌شناختی و الهیاتی مورد بررسی قرار داد. با توجه به هدف این نوشتار که بررسی دیدگاه استشراقی تشکیکی (شک و انکار وجود تاریخی محمد ﷺ و بی‌اعتباری سیره نبوی) است، با روش تاریخی-تطبیقی به تبیین و بررسی این رویکرد پرداخته می‌شود.

خاستگاه و زمینه‌های شکل‌گیری دیدگاه تردید در وجود تاریخی پیامبر اسلام

دیدگاه تردید در مورد وجود تاریخی پیامبر اسلام ﷺ ریشه در رویکردهای مختلف محققان تجدیدنظرطلب دارد که به دنبال بررسی منابع و مستندات تاریخی هستند. برخی از این محققان معتقدند که اطلاعات موجود در مورد محمد ﷺ و اسلام، بر پایه‌های نامطمئنی استوار است.

رابرت اسپنسر^۱ در کتاب آیا محمد وجود داشت؟ نشان می‌دهد که حضور گسترده محمد در تاریخ جهانی بر پایه‌های بسیار نازکی استوار است. (Spencer, 2021: 22-23) او در این کتاب، به طور روشمند همه آن اصول را متلاشی می‌کند و با استفاده از یافته‌های محققان تجدیدنظرطلب، به تخریب ویرانگر روایات سنتی مربوط به محمد ﷺ و ریشه‌های اسلام

1. Spencer

می‌پردازد. (Ibid: 205-206) همان‌طور که اسپنسر خود اذعان دارد، او بر اساس کار محققان پیشین، از جمله آلویس اشپرنگر، ایگناتس گلدزیهر، هنری لامنس و جوزف شاخ و همچنین از مقالات و خوانش‌های بیشتر چهره‌های معاصر، از جمله کتاب زمینه ریشه‌های پنهان اسلام (۲۰۱۰) نوشته کارل-هاینز اولیگ و گرد آر. پوئین، و چند کتاب مشهور ابن وراق (نام مستعار) تحت عنوان در جستجوی محمد تاریخی (۲۰۰۰)، کدام قرآن؟ (۲۰۰۷) و باکره‌ها؟ چه باکره‌هایی؟ (۲۰۱۰) بهره زیادی می‌برد. (Ibid: 21-22, 205-206)

محدودیت تفکر انتقادی در بین مستشرقان و محققان اسلامی

تجدید نظرطلبان معتقدند که اگر سایر محققان به نقد ریشه‌های تاریخی اسلام نپرداخته‌اند، دلیل آن تنها احترام و حسن نیت به مسلمانان بوده است. (Said, 1978: 204-207) در نظر این گروه، دلیل سکوت دانشمندان در این زمینه، در کنار احترام به احساسات مسلمانان مسئله ملاحظات سیاسی بوده است. (Ibn Warraq, 2010: 455-510) در این راستا، ادوارد سعید، با رویکرد شرق‌شناسی جدلی خود، گونه‌ای از ممنوعیت را برای مطالعه عینی اسلام ایجاد کرد و بیان داشت که حتی بی‌ضررترین تفسیرها از اسلام نوعی ظلم اروپایی محسوب می‌شوند. (Said, 1978: 2-3)

در نگاه این گروه این نوع دیدگاه‌ها به خشم مسلمانان و واکنش‌های شدید منجر می‌شود (Said, 1981: 4-6) و در نتیجه، بسیاری از مستشرقان غربی به دلیل ترس از واکنش‌های خشونت‌آمیز مسلمانان، از نقد تاریخ اسلام پرهیز می‌کنند؛ و مضاف بر این، برخی از محققان اسلامی مانند سلیمان بشیر و نصر حامد ابوزید هم که به تحلیل انتقادی از تاریخ اسلام پرداخته‌اند، با سرنوشت‌های تلخی مواجه شده‌اند. (Lewis, 2003: 36)

الگوگیری از رویکرد تشکیکی موجود در بین مستشرقان

در نگاه این دست از مستشرقان، این نوع برخورد مسلمانان چندان قابل توجیه نیست؛ چراکه دیگر ادیان هم بر اساس مبانی خود، با این قبیل معضلات علمی روبرو شده‌اند؛ به طوری که

خود مسیحیان نزدیک به ۳۰۰ سال از سوی دانشمندان شکاک به طور فزاینده با چالش‌های بی‌امان در مورد عناصر کلیدی ایمان مسیحی روبه‌رو شده‌اند. در اوایل قرن هجدهم، توماس چاب تحقیق پیرامون «مسیح تاریخی» را آغاز کرد که توسط روشنفکر دیگری، هرمان ریماریوس، به سرانجام رسید و توسط گاتولد لسینگ ترویج یافت. در نهایت، لسینگ ایمان مسیحی را بر این اصل توجیه‌پذیر می‌داند که حقایق احتمالی تاریخ نمی‌تواند بر حقایق ابدی عقل تأثیری داشته باشد و بر همین اساس، به تبیین الهیات مسیحی می‌پردازد. (Lessing, 1957: 50-55) این تلاش ساختارشکن در قرن نوزدهم سرعت گرفت و در کتاب معروف آلبرت شوایتزر، جستجوی عیسی تاریخی (۱۹۰۶) به اوج خود رسید. این رویکرد در ادامه با اسطوره‌زدایی رودلف بولتمان^۲ از عهد جدید که مسیح را از محتوای ماوراء طبیعی منسوب به او جدا کرد، پی گرفته شد؛ به حدی که سرانجام عیسی را به عنوان یک خردمند دوره‌گرد یهودی و شفادهنده ایمانی توصیف می‌کند که جزم مذهبی و قراردادهای سرکوبگر اجتماعی را به چالش می‌کشید. او الهیات آزادی را موعظه می‌کرد و از اهداف حاشیه‌نشینان و مظلومین دفاع می‌کرد؛ از این رو، عیسی مسیح جنبه الهی نداشت، بلکه فقط یک شخص فانی معمولی و دارای اصل و نسب عادی بود که توسط یک نهاد مخالف و نه به عنوان کفاره گناهان جهان، اعدام شد. (Bultmann, 1952: 1-5)

تشکیک در تاریخ قرآن

جان ونزبرو،^۳ تجدیدنظرطلب در آثار خود از جمله مطالعات قرآنی و محیط فرقه‌ای، شکل‌گیری نهایی قرآن را در قرن سوم هجری - اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم - تاریخ‌گذاری کرده و آن را ادبیاتی حاصل از روایات شفاهی و منابع مختلف می‌داند که بعدها به قرآن تبدیل شده است. (Wansbrough, 1978: 208) به‌طورکلی، قرآن و روایات سنتی پیرامون آن را

1. Lessing

2. Bultmann

3. Wansbrough

به عنوان ادبیات، یعنی به عنوان روایت‌های داستانی به دست آمده از منابع مختلف، از جمله سنت‌های شفاهی می‌داند که یا در گذر زمان به صورت خلاق و جمعی باهم بافته شده‌اند و یا مرتبط با اشکال مختلف سنت یهودی- مسیحی است که در آن زمان در سراسر خاورمیانه رایج بوده است. به عبارت روشن‌تر، اسلام در نتیجه یک جنبش مذهبی از سوی یک فرقه یهودی- مسیحی در منطقه غرب عربستان آغاز شده و مطالبی که از این آیین فرقه‌ای به دست آمده، در طول چند قرن با دیدگاه اعراب تطبیق داده شده و در نهایت، به قرآن مبدل شده است. در نتیجه، در تفسیر ونزبرو، گزارش رسمی منشأ اسلام به عنوان یک «تاریخ نجات» یا «تاریخ مقدس» قلمداد می‌شود که از منابع مختلف ساخته شده و توسط نسل‌های بعدی به عنوان گذشته جعلی مردم عرب، جهت اثبات هویت دینی خود و به دست آوردن یک ویژگی خاص به گذشته ارجاع داده شده است؛ به عبارت دیگر، تاریخ مسلمانان در واقع، نه تاریخ واقعی، بلکه تاریخ‌سازی از روی عقیده و اسطوره است که در حافظه ساخته شده است. (Ibid.: 25-30, 157) به طور خلاصه، برخلاف دیدگاه سنتی، طبق این تحلیل، نه محمد ﷺ، نه قرآن و نه اسلام در قرن هفتم به شکل معجزه‌آسایی ظاهر نشده‌اند. همان‌طور که دانیل براون^۱ در کتاب مقدمه‌ای جدید برای اسلام نتیجه می‌گیرد: «استدلال‌های ونزبرو، با توجه به شواهد موجود، اساساً غیرقابل انکار است». (Brown, 2004: 77)

بنابراین نظریه انکار یا تردید در وجود تاریخی پیامبر اسلام ﷺ از مجموعه‌ای از عوامل و زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، سیاسی و علمی شکل گرفته است. از نقدهای محققان تجدیدنظرطلب و واکنش‌های اجتماعی گرفته تا مقایسه‌های تطبیقی با مسیحیت، همه این عوامل به شکل‌گیری و گسترش این نظریه‌ها کمک کرده‌اند.

نظریه‌پردازان دیدگاه تشکیکی در مورد سیره شخصیت تاریخی پیامبر اسلام ﷺ

پاتریشیا کرون و مایکل کوک

در سال ۱۹۷۷م، پاتریشیا کرون و مایکل کوک کتاب بسیار بحث‌برانگیزِ هاجریسم: صنع عالم اسلامی را منتشر کردند. این کتاب یک تفسیر متفاوت و چالش‌برانگیز از تاریخ اولیه اسلام ارائه داد؛ به طوری که اساساً خاستگاه دین اسلام را نه در مکه، بلکه در محلی متناسب با گزارش‌های کتاب مقدس در شمال غربی شبه جزیره می‌داند. (Crone & Cook, 1977: 3)

مایکل کوک در کتابی که به سال ۱۹۸۳ درباره زندگی محمد ﷺ تألیف کرد، پس از تصویرسازی زندگانی آن جناب از روی مصادر اسلامی، این سؤال و دغدغه را پی می‌گیرد که تا چه حد از لحاظ تاریخی این روایات معتبر است و سرانجام تفکرش بر این است که روایات اسلامی علاوه بر اینکه غالباً مشکوک‌اند، بلکه از حیث تاریخی جعلی و نامعتبر هم هستند. (Cook, 1983: 82-85)

کارل هاینتس اولیگ

از دیگر نویسندگان تجدیدنظرطلب، کارل هاینتس اولیگ^۱ آلمانی است که در کتاب ریشه‌های پنهان اسلام: تحقیقات جدید پیرامون تاریخ اولیه آن و پس از آن در کتاب اسلام نخستین: بازسازی انتقادی بر اساس منابع معاصر که با همکاری گرد آر پوئین نوشته شده است، بر اساس آثار تاریخی و مکان‌یابی‌های جغرافیایی متعلق به قرن هفتم و هشتم عصر مسیحیت و تحلیل زبان‌شناختی قرآن، بسیاری از تحولات تاریخی، تصورات غلط و مقولات مربوط به اسلام را با دید دیگری مشاهده می‌کند. وی با توجه به سکه‌ها و کتیبه قدیمی در قبة الصخرة اورشلیم و نمادهایی که در آن استفاده شده که مربوط به الهیات مستند عربی سوری - الهیاتی با ریشه مسیحی است، اسلام را نشئت‌گرفته از جنبش مسیحی می‌داند و

1. Ohlig

محمد ﷺ را هم یکی از القاب ستایشی عیسی مسیح می‌داند؛ به عبارت دیگر، اسلام در اصل به عنوان فرقه‌ای از مسیحیت ظهور کرد که اصول کلامی مرکزی آن تحت تأثیر مسیحیت پیش از نیقیه در سوریه و خط عربی آن متأثر از زبان آرامی مسیحیت سوریه بود که سالیان متمادی در سراسر خاور نزدیک استعمال می‌شد که واژگان مورد استفاده در قرآن را هم به میزان قابل توجهی تحت تأثیر قرار داده بود. این دین فرقه‌ای، در روند تاریخی در اواخر قرن هشتم و نهم بود که به عنوان یک دین جداگانه تحت عنوان اسلام شکل گرفت و قرآن هم یک دوره تطور تاریخی حداقل ۲۰۰ ساله را پشت سر گذاشته است. (Ohlig, 2007: 107-115)

ایشان با تبیین زمینه‌های سنتی مستندات تاریخی و همین‌طور بازخوانی فراهایی از قرآن، تصویری عجیب - و بسیار غیرمتعارف - از بنیان‌های تاریخ مذهبی اسلامی ارائه می‌دهند؛ به طوری که اولیگ صاحب کتاب از بغداد به مرو، پس از آنکه اسلام را خاص یک جنبش مسیحی می‌داند، با توجه به شواهد موجود در سکه‌ها، محمد ﷺ را هم یکی از القاب ستایشی مسیح می‌شمارد. (Ibid: 109-115)

گرد آر پوین

متخصص آلمانی در نسخ خطی قرآن که از سوی دولت یمن به منظور بررسی و فهرست‌بندی انبار وسیعی از قطعات قرآنی و غیرقرآنی کشف شده در صنعا در سال ۱۹۷۲م دعوت شده بود، به این نتیجه رسید که طبق آزمایش‌های رادیو کربن، متون قدیمی‌تر به سال ۶۶۰م بعد از میلاد برمی‌گردد و تغییرات متنی قابل توجه در این نسخه‌ها نشان می‌دهد که فرایند شکل‌گیری قرآن متفاوت از روایت سنتی است. پوین و همفکرانش بر اساس این نسخه‌ها و شواهد برگرفته از مطالب دیگر، به این نتیجه رسیدند که جنبش دینی پیش از اسلام باید در سال‌های اولیه خود در حال تغییر و تحول مداوم بوده باشد و قرآن ترکیبی از متون مختلف است که ظاهراً ناقص‌اند و حتی در زمان محمد نیز در حال تغییر بوده و احتمالاً یک قرن قبل از محمد ﷺ در حال شکل‌گیری در یک بستر مسیحی بوده است. (Puin, 1996: 107-111)

نام هویلند

نام هویلند مورخ نیز نسبت به منابع تاریخی که به زندگی پیامبر پرداخته‌اند، رویکردی انتقادی دارد. او معتقد است که منابع موجود درباره زندگی و دوران پیامبر اسلام ﷺ، عمدتاً چند دهه پس از حیات او تدوین شده‌اند و ممکن است تحت تأثیر شرایط فرهنگی و سیاسی آن زمان شکل گرفته باشند. به باور وی، ممکن است تاریخ اسلام به نحوی متفاوت از روایت‌های سنتی به وجود آمده باشد و برخی از آموزه‌های اسلامی از تعاملات فرهنگی و مذهبی همسایگان عربستان بهره برده باشد. (Holland, 2012: 44)

یهودا دی نوو و جودیت کورن

یهودا دی نوو، باستان‌شناس و جودیت کورن در کتاب تقاطع به سوی اسلام: خاستگاه‌های دین عربی و دولت عربی، با اکتشافی بحث‌برانگیز از تاریخ اولیه اسلام، نظریه‌ای انقلابی در مورد ریشه‌ها و توسعه دولت و دین اسلامی ارائه می‌دهند. کتاب تقاطع به سوی اسلام انواع مختلفی از شواهد که تاکنون نادیده گرفته شده بود را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ به طوری که ادبیات جمعیت محلی (مسیحیان)، کاوش‌های باستان‌شناسی، سکه‌شناسی و به ویژه سنگ کتیبه‌ها و... پایه و اساس دیدگاه رادیکال آنان در تحلیل و تجزیه اسلام قرار می‌گیرد. به گفته این دو نویسنده، شواهد نشان می‌دهد که اعراب در زمان قدرت گرفتن در مناطقی که قبلاً تحت سلطه امپراتوری بیزانس بود، در واقع، بت‌پرست بودند. آن‌ها ادعا می‌کنند که اعراب تقریباً بدون مبارزه، کنترل را در دست گرفتند؛ زیرا بیزانس مدت‌ها قبل عملاً از این منطقه خارج شده بود. پس از ایجاد کنترل، نخبگان جدید عرب یک توحید ساده متأثر از یهودیت-مسیحیت را پذیرفتند و به تدریج آن را به دین عرب تبدیل کردند. این روند تا اواسط قرن ۸ تکمیل نشده بود. (Nevo & Koren, 2003: 150-152) این تفسیر از شواهد، همسو با نظر آن گروه از محققان است که به دلایل مختلف معتقدند اسلام و نسخه مقدس قرآن پس از یک دوره طولانی به تدریج شکل گرفته است. (Donner, 2010: 150-155; Wansbrough, 1977: 18-)

152-20) این دیدگاه جدید، تاریخ سنتی ظهور اسلام را که ادعا می‌کند اسلام با محمد ﷺ در مکه و مدینه در حدود سال ۶۲۲م آغاز شد و سپس تحت رهبری کاریزماتیک او و پیروانش در سراسر عربستان گسترش یافت را رد می‌کند و بر اساس یافته‌ها و شواهد عینی و نقد آثار معاصر (قرن هفتم)، وجود تاریخی محمد را منکر می‌شوند و او را شخصیتی برساخته می‌دانند که بعدها در سنت اسلامی به وجود آمده است. (Nevo & Koren, 2003: 200-210)

کریستوف لوکسنبرگ

یکی دیگر از شخصیت‌های محوری در بین تجدیدنظرطلبان که باید مورد توجه قرار گیرد، کریستوف لوکسنبرگ (نام مستعار) است که در کتاب قرائت سریانی-آرامی مشارکتی در رمزگشایی زبان قرآن (چاپ آلمانی ۲۰۰۰، ترجمه انگلیسی ۲۰۰۷) با خوانش آرامی-سریانی از زبان قرآن این نتیجه را می‌گیرد که قرآن و اسلام در قالب اصطلاحات مسیحی از سوی اعراب در بستر یک سنت شفاهی پدید آمده و تاریخ سنتی مسلمانان برنوشتی از تاریخ و عقاید مسیحی است. (Luxenberg, 2007: 75-80)

ابن وراق

ابن وراق هم در نظریه خویش در کتاب باکره‌ها؛ چه باکره‌هایی؟، اسلام را یک خلاقیت ادبی دیرهنگام می‌داند که جنگجویان عرب در پی برخورد با تمدن‌های موجود در بلاد دیگر، جهت ساخت هویت دینی خود از روی مطالب موجود برساختند که این فرایند شامل یک کتاب مقدس برای جایگزینی کتاب‌های یهودیان و مسیحیان و یک شخصیت نبوی برای جایگزینی عیسی مسیح بود. (Ibn Warraq, 2010: 45-50)

کورت بانگرت

مستشرق آلمانی، کورت بانگرت در کتاب جامع تحت عنوان محمد: بررسی تاریخی انتقادی منشأ اسلام و پیامبر آن (۲۰۱۶م) تمامی مستندات تاریخی که مستشرقان پیشین در بررسی

تاریخ اولیه اسلام و وجود تاریخی محمد به کار بسته بودند را مورد بازنگری قرار می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که مصادر اسلامی؛ اعم از حدیث، سیره، قرآن چندان وثاقت تاریخی ندارند و با تکیه بر منابع معاصر غیراسلامی وجود تاریخی محمد - کسی که در شبه جزیره عربستان ظهور کرد- را غیرقابل اثبات می‌داند. (Bangert, 2016: 35-40)

هانس یانسن

هانس یانسن، استاد اندیشه اسلامی در دانشگاه اوترخت هلند، در مقدمه کتاب سیره ذاتی محمد (۲۰۰۸م) به عنوان دانشمند سکولار مدرن می‌نویسد: «اگر شما متقی هستید و دوست دارید همه داستان‌های سنتی را باور کنید، در مورد محمد، شما باید این کتاب را بهتر بخوانید». (Hans Jansen, 2008: 13)

وی تأکید می‌کند که هیچ‌گونه گزارشی از سنت غیراسلامی در مورد محمد وجود ندارد و حتی در بین آن‌ها هیچ متن معاصری در مورد زندگی پیامبر نیست. او به صورت جدلی اشاره می‌کند که امروز ما نه از داستان کلاه قرمزی به عنوان منبع آگاهی در مورد وضعیت جنگل در قرن ۱۸م استفاده می‌کنیم و نه از ادیسه برای ایجاد نقشه‌های دریایی از دریای مدیترانه. (Ibid: 26)

اما او می‌پرسد چرا علمای اسلام در طول تاریخ با داستان‌های ابن اسحاق به عنوان یک منبع تاریخی برخورد می‌کنند؟ یانسن در مطالعه علمی و انتقادی خود درباره زندگی محمد ﷺ، مشکلات یافتن اطلاعات موثق درباره محمد تاریخی را توصیف می‌کند و بدون اثبات یارد وجود تاریخی محمد، معتقد است که گذشت زمان شاید بتواند پرده از این مقوله بردارد. (Ibid: 26)

دان گیسون

این گروه از تجدید نظرطلبان، در راستای نقد تاریخی شخص محمد ﷺ، خاستگاه مکانی ایشان، یعنی مکه را هم از مؤلفه‌های همان تاریخ سنتی رستگاری می‌دانند که تاریخ‌نگاران

دربار عباسی وضع نموده‌اند. دان گیبسون در کتاب جغرافیای قرآن، با تحقیق پیرامون مکه و قبله‌های اولیه مسلمانان و با توجه به اسناد تاریخی و قرآن چندین تناقض را بیان می‌کند: «مکه در قرآن و روایات، ام‌القری و شهر پراهمیت تجاری است که در مسیر کندر واقع شده است؛ ولی در هیچ نقشه جغرافیایی یا سفرنامه‌ای در قبل از قرن نهم میلادی بدان اشاره نشده است! مکه با وصف تاریخ سنتی، یعنی ام‌القری واقع در میان دو دره که نهر آبی از آن می‌گذشت و انواع درختان و کشاورزی در آن رواج داشت و دارای دو گذرگاه بود که به حومه‌ها و آبادی‌های مجاور دسترسی داشت با مکه کنونی واقع در عربستان مطابقت ندارد و طبق آزمایش‌های زیستی در محیط طبیعی مکه علف یا درخت زیتون نمی‌تواند رشد کند. (Gibson, 2011: 221-238) وی با توجه به برخی شواهد جزئی دیگر که خارج از وسع و هدف این نوشتار است، به این نتیجه می‌رسد که شهر مقدس مسلمانان و مکه واقعی، شهر بتراء پایتخت نبطی‌ها است و این مکه کنونی درواقع، ساخته ابن زبیر و خلفای عباسی برای بازسازی دین جدید است. (Ibid)

نظریات موضوعی مطرح شده در این آرا

۱. عدم اشاره به شخصیت محمد در ۶۰ سال پس از وفات: طبق تحقیقات کورت بانگرت، هیچ‌گونه اشاره تاریخی به شخصیت محمد در ۶۰ سال نخست پس از وفات وی در سال ۶۳۲ میلادی وجود ندارد. این فقدان شواهد، وجود تاریخی محمد را با تردید مواجه می‌کند. (Bangert, 2016: 50-55)

۲. عدم وجود مستندات تاریخی معاصر: در بررسی‌های انجام شده توسط مایکل سینای، هیچ مستندات تاریخی از سوی سرزمین‌های اشغال شده توسط اعراب؛ مانند سریانی‌ها و مصری‌ها درباره آموزه‌های دینی جدید، کتاب مقدس جدید، یا شخصی به نام محمد وجود ندارد. (Sinai, 2017: 112-115)

۳. ظهور احادیث در عصر بنی‌امیه و عباسی: پاتریشیا کرون و مایکل کوک در بررسی‌های خود اشاره می‌کنند که احادیث مربوط به محمد ﷺ تا پایان عصر بنی‌امیه و آغاز عصر

عباسی ظاهر نشده و این احادیث به دلیل رقابت‌های سیاسی بین این دو خاندان ساخته شده‌اند. (Crone & Cook, 1977: 89-92)

۴. مکان مقدس مکه و تناقضات جغرافیایی: طبق تحقیق دان گیبسون، توصیف جغرافیایی مکه به عنوان ام‌القری در قرآن با مکان فعلی مکه مطابقت ندارد. همچنین، در هیچ نقشه یا سفرنامه‌ای تا قرن نهم میلادی اشاره‌ای به این شهر نشده است. (Gibson, 2011: 221-238)

۵. محمد به عنوان فرمانده نظامی: در نظریه کریستوف لوکسنبرگ، محمد به عنوان فرمانده نظامی هاجری‌ها و ساراسن‌ها در جنگ‌های مقدس جهاد علیه بیزانس و قدس شرکت داشت. (Luxenberg, 2007: 75-80)

۶. محمد به عنوان تاجر و تأثیرات یهودی: بر اساس تحقیقات نیوو و کورن، محمد تاجر شامی بود که تحت تأثیر آموزه‌های یهودیان ناصری قرار گرفت و به مذهب نصرانی دعوت کرد. (Nevo & Koren, 2003: 135-140)

۷. هدف محمد از اشغال فلسطین: طبق تحقیقات دان گیبسون، هدف محمد از اشغال فلسطین، بنای معبد یهودی و آماده‌سازی بازگشت مسیح بوده است. (Gibson, 2011: 300-305)

۸. کلمه «محمد» به عنوان لقب: کریستوف لوکسنبرگ اشاره می‌کند که «محمد» اسم علم نبوده و در واقع، لقبی به معنی «مختار» یا «مفضل» است که توسط یهودیان برای رهبری عرب به کار رفته است. (Luxenberg, 2007: 45-50)

۹. نام‌های دیگر محمد و ارتباط با حاکمان عباسی: بر اساس نظریه نیوو و کورن، نام‌های دیگر پیامبر همچون قثم و ابن اَبی کبشه، بازتاب داستان‌هایی است که در دوره عباسیان ساخته شده‌اند. (Nevo & Koren, 2003: 150-155)

۱۰. عدم ادعای رسول‌اللهی از سوی محمد: طبق بررسی‌های هانس یانسن، محمد هیچ‌گاه ادعای پیامبری نداشته و تنها به عنوان رهبر دینی از پیروان خود خواسته است تا از احکام یهود ناصری پیروی کنند. (Jansen, 2008: 120-125)

۱۱. ایده انحدار عرب از ابراهیم و اسماعیل: طبق تحقیقات پاتریشیا کرون، ایده انحدار عرب از ابراهیم و اسماعیل، یک خرافه یهودی بوده تا اعراب را برای حمله به قدس ترغیب کنند. (Crone & Cook, 1977: 45-50)

۱۲. تأکید بر جعلی بودن ادعای نبوت در وثیقه تعالیم یعقوب: بر اساس بررسی های نیوو و کورن، در وثیقه تعالیم یعقوب تأکید شده است که ادعای نبوت محمد جعلی بوده و او را به عنوان یک کذاب معرفی کرده است. (Nevo & Koren, 2003: 95-100)

۱۳. هجرت محمد از بترا به مدینه: بر اساس نظریه کارل هاینتس اولیگ، هجرت محمد از مکه به مدینه نبوده، بلکه از بترا به مدین صورت گرفته است. (Ohlig, 2007: 150-155)

۱۴. نصاری و تأثیر آن‌ها بر قرآن: کریستوف لوکسنبرگ در تحقیقات خود به تأثیر یهودیان ناصری (نصاری) بر قرآن و استفاده از ادبیات مسیحی در ساختارهای قرآنی اشاره می‌کند. (Luxenberg, 2007: 60-65)

بنابراین مسائل و موضوعات مختلفی درباره تاریخ پیدایش اسلام از سوی جریان تجدیدگرا مطرح شده است که هرکدام از آن‌ها نیازمند نوشتاری خاص جهت تبیین و تحلیل است. در ادامه، با توجه به هدف و عنوان این نوشتار، تنها موضوع وجود تاریخی شخصی به نام محمد که ادعای رسول الهی داشته است را مورد بررسی قرار می‌دهیم و اما بررسی چگونگی مواجهه تاریخ جهانی با رسالت محمدی، امری جداگانه است که خود به بررسی با روش های تحلیل انسان شناختی، الهیاتی، روان شناختی و جامعه شناسی نیاز دارد و به عبارت دیگر، موضوع این نوشتار نفی یا اثبات وجود تاریخی پیامبر اسلام بوده و اثبات صدق و کذب رسالت ایشان خارج از وسع و هدف این مقاله است.

نقد دیدگاه منکران وجود تاریخی پیامبر اسلام ﷺ

در این بخش، به نقد دیدگاه منکران وجود تاریخی پیامبر اسلام ﷺ پرداخته می‌شود؛ از این رو ابتدا به شواهد و دلایل ارائه شده از سوی اندیشه اسلامی که وجود پیامبر را تأیید می‌کنند،

اشاره می‌شود و سپس این موضوع از منظر شواهد غیر اسلامی مورد بررسی واقع می‌گردد:

الف: نقد اجمالی دیدگاه نفی وجود تاریخی پیامبر ﷺ بر اساس اندیشه اسلامی متداول

طرح ایده‌هایی از قبیل: «وجود تاریخی محمد یک واقعیت است یا یک توهم؟» اگرچه غالباً در همان ابتدای امر به هدف و مقصود اصلی خویش نائل نمی‌شوند؛ لیکن روحیه تشکیک و تردید در سایر مبادی دین اسلام را در جامعه اسلامی تزیق می‌کنند و در صورت سستی و بی‌پایه بودن ایمان در بین افراد جامعه اسلامی، کل شاکله ذهنی فرد مسلمان دگرگون شده و در نتیجه، نسبت به عقاید جزئی پیشین خویش طریق انکار را در پی می‌گیرد و از آنجاکه جامعه اسلامی از قبل خود را آماده رویارویی با چالش‌ها و تفکرات زمانه نساخته، خیلی سریع زمینه اختلاف و تکفیر، ارتداد در آن شیوع پیدا می‌کند؛ اما از نگاه سنتی و عقل‌گرا، آنچه اندیشه اسلامی سنتی در پاسخ به این چالش می‌تواند ارائه دهد به قرار زیر است:

۱- شواهدی دال بر وجود تاریخی پیامبر اسلام در متون مقدس و دیگر منابع تاریخی وجود دارد؛ به طوری که برخی ویژگی‌های اخلاقی و ظاهری، بشارت به میلاد و مبعث، و صفات قوم قریش در این متون ذکر شده است. ملوک و زعمای اهل کتاب، پس از اطمینان یافتن از انطباق این صفات با محمد بن عبدالله، به نبوت ایشان اقرار کردند. این ادعاها در سفر تثنیه (۱۸: ۱۵-۱۸)، اشعیا (۹: ۶)، متی (۲۱: ۴۲-۴۳) و موارد دیگر که به صورت کامل و مستدل در کتاب محمد ص فی التورات و الانجیل و القرآن، نوشته ابراهیم خلیل احمد بیان شده است (۱۴۱۱: ۴۰-۶۸)

۲- قرآن کریم به عنوان معجزه پیامبر اسلام، معتبرترین دلیل بر وجود تاریخی و نبوت ایشان است و در آیات مختلفی بر آگاهی اهل کتاب از صفات و ویژگی‌های ایشان اشاره نموده است. (آل عمران: ۸۹؛ ۱۳۶)

۳- هماهنگی و انسجام زنجیره‌ای موجود در مؤلفه‌های میراث روایی - علی‌رغم تمامی نزاع‌ها و اختلافات موجود در بلاد مختلف اسلامی - که پیرامون یک شخصیت مرکزی و حواشی

مرتبط و اطرافیان و محیط جغرافیایی آن بحث می‌کند، به حدی است که از جهت متواترات مفهومی امکان ساختگی بودن آن صفر است؛ به عبارت روشن‌تر، همان‌طور که جاناتان براون صاحب کتاب مقدمه‌ای بسیار کوتاه از زندگی محمد، تصریح می‌کند، با وجود نزاعات داخلی و درگیرهای فرقه‌ای در قرن دوم (بین شیعه و خوارج و عباسیان و بنی‌امیه و...) مسلمانان که نمی‌توانستند بر یک امر به اتفاق نظر برسند، چگونه قادر بودند توطئه‌ای به بزرگی بازنویسی کل تاریخ قرن اول خود را ترتیب دهند؟! (Brown, 2011: 95)

از نگاه الهیاتِ جدلی، غیر از نقد سوم که نقدی اصولی بر محور متواترات است، بقیه موارد از سوی این صنف از مستشرقان قابل مناقشه و فاقد اعتبار است و به قول اصولیان، تحصیل حاصل قلمداد می‌شود؛ از این رو باید دلایل قانع‌کننده دیگری باشد که خصم را مجبور به پذیرش کند و این امر زمانی محقق است که شواهد تاریخی غیراسلامی بر وجود تاریخی شخصی به نام محمد که مدعی رسالت (خواه با صدق یا کذب) بوده است، صحه بگذارد.

ب. نقد تفصیلی دیدگاه منکران وجود تاریخی پیامبر اسلام ﷺ

شواهد تاریخی غیراسلامی در تاریخ جهانی دلالتی تام بر وجود تاریخی پیامبر اسلام ﷺ می‌کند و البته نباید آن‌ها را متون کاملاً معصوم یا انتزاعی‌تر از متون اسلامی پنداشته شود؛ چراکه از شهادت کسانی نشئت می‌گیرد که با تمدن اسلامی درگیری‌های دینی، نظامی و سیاسی داشتند و در اینجا از باب جدل و اقناع مخالف به چندین روایت مشهور در تاریخ جهانی استناد می‌شود که وجود تاریخی محمد را به‌عنوان نبی قوم (اعراب، هاجریون، اسماعیلیون، ساراسن‌ها یا سراکنه)- صادق یا کاذب - تأیید می‌کنند!

روایت اول: آموزه‌های یعقوب تازه مسیحی شده

به گفته رابرت هویلند، استاد تاریخ خاورمیانه قرون وسطی، اولین اشاره تاریخی به پیامبر

۱. از جهت اصالت و اعتبار الفاظی مقولات تاریخی ترجمه روایات از اصلی‌ترین نسخه منابع و به صورت تحت‌اللفظی (به قدر لزوم) صورت گرفته است.

اسلام، بدون ذکر صریح نام او، در «آموزه‌های یعقوب تازه مسیحی شده»، دفاعیه از مسیحیت که احتمالاً در افریقا در سال ۶۳۴م در جریان کارزار مسیحی سازی اجباری یهودیان به دستور امپراتور هراکلیوس نوشته شده است، آمده است. در این متن که به یک تاجر یهودی فلسطینی به نام یعقوب نسبت داده شده است که در یک سفر تجاری به قرطاجه که پس از مدتی حبس مجبور به پذیرش مسیحیت می شود، چنین آمده است: «یوستوس از قول برادرش چنین نقل می کند: «وقتی ساراسن‌ها (اعراب) افسر بیزانسی را کشتند، من در قیصریه بودم و به سمت قایق که راهی شکمونا بود، حرکت کردم. مردم می گفتند: «افسر کشته شده است» و ما یهودیان از خوشحالی پرواز می کردیم. می گفتند که پیامبر ظهور کرده است و با ساراسن‌ها می آید. او ادعا می کرد که همان مسیح منتظر است. به شکمونه رسیدم و با پیرمردی آشنا به کتاب مقدس ملاقات کرده و از او پرسیدم. درباره این پیامبری که با ساراسن‌ها ظهور کرده، چه می گویند؟ و او آهی کشید، «این دروغ است». او پاسخ داد: «پیامبران مسلح به شمشیر نمی آیند». حقیقت این است که آنچه امروز در حال وقوع است هرج و مرجی بیش نیست و من می ترسم که مسیحی که اول آمد و مسیحیان او را می پرستند، همان کسی بوده باشد که از جانب خداوند فرستاده شده است؛ اما جناب ابراهیم بروید و حقیقت پیامبری را که ظهور کرده است، دریابید؛ و من تنها حقیقتی که در این شخص که او را پیامبر می نامند، یافتم، ریختن خون مردان بود؛ درحالی که می گوید کلیدهای بهشت را هم در اختیار دارد که به نظر غیرقابل تصور است». (Anonymous, 2009: 57)

روایت دوم: تئوفان راهب

تئوفان راهب و مورخ بیزانسی (۷۵۲-۸۱۸م) در تاریخ زندگی محمد قبل از نبوت می گوید: «چون محمد یتیم و فقیر بود، به نظرش خوش آمد که پیش یک بانوی ثروتمند به نام خدیجه (که خویشاوند او بود) برود تا در قبال دریافت دستمزد به شتران و تجارت او به مصر و فلسطین رسیدگی کند و چون خوش بیان و جسور بود، به سرعت نزد این بانوی بیوه اعتبار یافت و با او ازدواج کرد و جمال و مال او را تصاحب کرد. هنگامی که به فلسطین رفت، با یهودیان و

مسیحیان زندگی می‌کرد و در میان آن‌ها به جستجوی نوشته‌های خاصی می‌پرداخت. او از حملات صرع رنج می‌برد و زمانی که همسرش متوجه این موضوع شد، بسیار اظهار ندامت کرد؛ زیرا زن ثروتمندی چون او با مردی ازدواج کرده که نه تنها فقیر، بلکه دچار صرع هم هست؛ او شروع به دلجویی از خدیجه کرد و گفت: فرشته‌ای به نام جبرئیل را می‌بینم و از حال می‌روم زیرا طاقت دیدن او را ندارم. او دوستی داشت، راهبی که به دلیل فساد ایمانی در تبعید به سر می‌برد؛ بنابراین [خدیجه] همه چیز را به او گفت، حتی نام فرشته را. او می‌خواست به او اطمینان دهد، پس به او گفت: که وی (محمد) راست می‌گوید؛ زیرا این فرشته برای همه پیامبران مبعوث شده است. (Theophanes, 1977: 333)

تثوفان در تاریخ وقایع سال ۶۳۱م خود چنین ذکر می‌کند: «در این سال محمد، فرمانروای ساراسن (اعراب) و پیامبر دروغین درگذشت، پس از آنکه جانشین خود ابوبکر را انتخاب کرد تا حکومت را در دست بگیرد. هر جا که شایعه آمدن او (محمد) به گوش می‌رسید، همه مردم می‌ترسیدند، هنگامی که او برای اولین بار ظاهر شد، یهودیان فریب خوردند و گمان کردند که او همان منتظری است که انتظارش را داشتند. پس پیشوایانشان نزد او آمدند و دین او را پذیرفتند و از آنچه موسی - که با خدا دیدار کرد - روی برگرداندند، ده نفر بودند و تا هنگام مرگ نزد محمد ماندند؛ اما چون او را دیدند که گوشت شتر می‌خورد. [ممنوع در یهودیت]، پس دانستند که او آن مردی نیست که می‌پنداشتند و از ترس ترک دین او در حیرت و سردرگمی در کنارش ماندند و به او رفتارهای غیرشرعی با مسیحیان را تعلیم دادند.» (Ibid: 464)

علاوه بر روایات اسلامی، چندین آیه در قرآن از جمله [انعام: ۱۴۵-۱۴۶] و آیه ۹۳ سوره آل عمران منعکس‌کننده اجمالی این گزارش است.^۱

۱. در گزارش تثوفان، ادعا می‌شود که یهودیان پیامبر اسلام را به دلیل رفتارهایی که در یهودیت غیرشرعی تلقی می‌شد، مانند خوردن گوشت شتر، رد کردند. این موضوع می‌تواند به تفاوت‌های دینی میان اسلام و یهودیت در رابطه با احکام غذایی اشاره داشته باشد: در اسلام، خوردن گوشت شتر حلال است و هیچ ممنوعیتی در این زمینه وجود ندارد. در یهودیت، خوردن گوشت شتر ممنوع است؛ زیرا در تورات (سفر لویان ۱۱:۴) به عنوان

روایت سوم: میشائیل پاسیلوس

مورخ بیزانسی، میشائیل پاسیلوس (۱۰۱۸-۱۰۷۸م) در «تاریخ موجز» ذکر می‌کند که امپراتور هراکلیوس در هنگام بازگشت از جنگ با ایرانیان، با محمد ملاقات کرد و می‌گوید: «امپراتور در راه پیروزمندانه به خانه بازگشت. [هراکلیوس] با محمد، رهبر قبایل سراکنی (اعراب) که از یثرب آمده بود، ملاقات کرد. این مرد برای ایجاد مستعمره امتیاز خواست و او (هراکلیوس) به او اجازه داد. او نیز پس از ثروتمند شدن به لطف همسرش شروع به گمراه کردن مردمش کرد. او جنگجویانی را تدارک دید و ابتدا سوریه را غارت کرد و سپس به تخریب سرزمین‌های روم پرداخت. این برای صحبت درباره او کافی است. (Michael Psellos, 1990: 94)

روایت چهارم: سبئوس

سبئوس، مورخ معاصر ارمنی - بیزانسی (قرن هفتم پس از میلاد)، معاصر محمد ﷺ، در کتاب تاریخ ارمنی (منسوب به او)، دعوت محمدی را آرزوی یهودیان جهت خلاصی سرزمین موعود از دست رومیان برآورده کرده است. او نقل می‌کند که یهودیان پس از خروج ایرانیان از فلسطین، در برابر ورود نیروهای بیزانسی در داخل شهر ادسا تحصن گزیدند؛ ولیکن هراکلیوس دستور محاصره شهر را داد؛ و چون یهودیان متوجه شدند که نمی‌توانند در جنگ با او مقاومت کنند، به او پیشنهاد صلح دادند و دروازه‌های شهر را گشودند و سپس از طریق بیابان به سوی سرزمین‌های عرب (بنی‌اسماعیل) رفتند تا آن‌ها را جهت کمک بسیج کنند. از ارتباط خونی که در کتب تورات با آن‌ها ثابت شده است، به آن‌ها گفتند، اگرچه در نهایت قانع شدند، اما آن‌ها (اعراب) با وجود پذیرش قرابت خونی، به علت پراکندگی افراد در ادیان بت‌پرستی نتوانستند با تعداد زیادی به توافق برسند... سبئوس ادامه می‌دهد: «در آن هنگام

یک حیوان ناپاک معرفی شده است. آیه ۹۳ سوره آل عمران به این نکته اشاره می‌کند که برخی از تحریم‌های یهودیت، از جمله تحریم‌های غذایی، بر اساس تصمیمات شخصی یعقوب (اسرائیل) بوده و بعدها این تحریم‌ها در تورات تأیید شده است. این آیه تلاش دارد تا نشان دهد که بسیاری از تحریم‌هایی که یهودیان به آن پایبند بودند، به دلیل تحریفات یا تغییرات در دین اصلی خودشان بوده است.

مردی سرشناس از میان بنی اسماعیل به نام محمد که تاجر بود ظاهر شد و گویا به فرمان خدا به عنوان پیامبری بر آنان ظهور کرده بود تا آن‌ها را به مسیر حق هدایت کند. او به آن‌ها یاد داد که به خداوند، خدای ابراهیم اعتراف کنند و به‌ویژه تاریخ تورات موسی را به آن‌ها یاد داد و شناسانند... [اعراب] زیر پرچم دین متحد شدند و عبادت بیهوده بت پرستی خود را ترک کردند و به خدای زنده‌ای که بر پدرشان ابراهیم ظاهر شد، روی آوردند و در این جهت، محمد تشریح نمود که مردار نخورند و شراب ننوشند و دروغ نگویند و مرتکب زنا نشوند؛ و به آن‌ها گفت: «خداوند به ابراهیم و فرزندانش بعد از او، این سرزمین را تا ابد وعده داده است و در زمانی که اسرائیل را دوست داشت به وعده خود عمل کرد؛ اما اکنون شما فرزندان ابراهیم هستید و خداوند به وعده خود عمل خواهد کرد. پس بروید و زمین خود را که خداوند به پدرتان ابراهیم وعده داده است، بگیرید که هیچ‌کس نمی‌تواند در جنگ با شما مقاومت کند؛ زیرا خداوند با شما است. (Sebeos, 1999: 192-193)

در ادامه، مورخ ارمنی به اتحاد بنی اسرائیل با بنی اسماعیل اشاره می‌کند و اینکه آن‌ها لشکری عظیم تشکیل دادند و امپراتور بیزانس را در صورت عدم خروج از سرزمین فلسطین تهدید کردند.

روایت پنجم: شماس گریگوری

در سالنامه گرجی که شامل نسخه‌های خطی است که قدمت برخی از آن‌ها به قرن پنجم پس از میلاد بازمی‌گردد نیز به شخص محمد نبی اشاره شده است. این سالنامه‌ها در قرن سیزدهم با برخی اصلاحات به ارمنی ترجمه شده‌اند. به گفته رابرت تامسون، پروفیسور مطالعات ارمنی، در بازنویسی تاریخ قفقاز، این سالنامه‌ها شامل روایات شفاهی با مطالب مکتوب برگرفته از سالنامه رومی و سریانی هستند. یکی از این سالنامه‌ها به شخصی ناشناس به اسم شماس مشهور به گریگوری منسوب است و احتمالاً به قرن هفتم بازمی‌گردد. این سالنامه در نسخه ارمنی خود، از درگیری بین شاهزاده‌ای به نام سرگیس از بین‌النهرین می‌گوید که اموال برخی از بازرگانان اسماعیلی (عرب) را تصاحب کرده است. زعیم (اعراب) گروه عظیمی را جمع نمود

و اموال خود و اموال سرچیس و پیرون وی را تصاحب نمودند. در سالنامه آمده که «در این ایام محمد را یافتند که از قوم خویش جدا شده بود، او که شاگرد راهب اریوسی^۱ بود، به بدعت کیرینتوس^۲ باور داشت که می‌گفت رستاخیز به صورت جسمانی است و همچنان که شامل درد و رنج جسمانی می‌شود، شهوات جسمانی را هم شامل می‌شود؛ (اعراب) با پیوستن به او و رهبری کردن او، با تمام جهان جنگیدند. (Thomson, 1996: 250)

و در روایت گرجی آمده است: «محمد که از خاندان اسماعیل و پیامبر دین ساراسن‌ها (اعراب) بود، در این هنگام ظهور کرد و تمام عربستان و یمن را تصرف کرد، سپس درگذشت و ابوبکر جانشین او شد. (Thomson, 1996: 23 Met'reveli: 2014: 110;)

روایت ششم: قسیس توماس یعقوبی

به گفته مورخ رابرت هولند، اولین ذکر صریح از نبی محمد از نظر تاریخی T در نسخه خطی سریانی منسوب به کشیش یعقوبی سریانی T توماس آمده است^۳ که گوید: «در سال ۹۴۵ یونانی، به زمان دوره هفتم روم. در چهارمین جمعه فوریه (۶۳۴م) در ساعت نهم، جنگی بین رومیان و اعراب محمد (طائی محمد) در فلسطین در دوازده مایلی شرق غزه درگرفت. رومیان فرار کردند و پاتریاک را رها کردند؛ و اعراب او را به قتل رساندند و در آن چهار هزار روستایی فقیرنشین از مسیحیان و یهودیان و سامری‌ها را کشتند و اعراب تمام منطقه را ویران نمودند. (Hoyland, 1997: 12; Thomas the Presbyter, Chronicle, 147-48)

1. Arian

2. Cerinthus

۳. این شخص، یعنی قسیس توماس یعقوبی غیر از تاجر یهودی فلسطینی، یعقوب صاحب وثیقه معروف است و این دو از جهت زمانی نزدیک به هم هستند و روایتی مشابهی را نقل می‌کنند که البته اختلافاتی هم باهم دارند. در اولی چنانکه هولند هم تصریح می‌کند، به نام محمد تصریح نشده است (یعنی در تعالیم یعقوب)؛ اما در سالنامه توماس بدان تصریح شده است؛ بنابراین دو نقل متفاوت است.

روایت هفتم: زیقونین سریانی

در بخش‌های باقی‌مانده از تاریخ وقایع سالنامه زیقونین سریانی که به اشتباه به دیونیسوس تالمری نسبت داده شده و با ترجمه‌ای نادرست با عنوان «تاریخ الازمان» به عربی ترجمه شده است که به نظر امیر حراک، استاد زبان‌های سامی و آشوری‌شناسی، به احتمال زیاد منسوب به یک راهب سریانی، یشوع- راهب صومعه زیقونین، است که آن را با استناد به منابع سریانی قدیمی یادداشت کرده است. نگارنده از عملیات مسیحی‌سازی اجباری یهودیان به دستور امپراتور بیزانس یاد می‌کند و در حوادث سال ۹۳۲ یونانی [۶۲۱/۶۲۰] ذکر می‌کند که: «اعراب سرزمین فلسطین و سرزمین‌هایی تا رود فرات بزرگ را فتح کردند. رومی‌ها فرار کردند و به کرانه شرقی فرات گریختند و اعراب بر آن‌ها مسلط شدند. اول پادشاه در میان آن‌ها مردی به نام محمد بود و او را نبی نیز نامیدند؛ زیرا او آن‌ها را از عبادت مشرکان منحرف کرد و به آن‌ها آموخت که تنها یک خدا است، خدای جهان هستی. همچنین برای آن‌ها برخی تشریعات را وضع نمود؛ چراکه غرق در پرستش شیاطین و بت‌ها به‌ویژه پرستش درختان بودند و او را نبی و فرستاده خدا نامیدند؛ زیرا محمد برای آن‌ها روشن کرد که خدا یکی است و به لطف هدایت او رومیان را در جنگ شکست دادند. برایشان اموری را تشریح کرد که مطابق میلشان باشد، این امت بسیار فاسق و شهوت‌ران است. هر تشریحی که محمد برای آن‌ها وضع کند و یا هر شخص متقی دیگر بیان کند را چنانچه لذت‌های شهوانی آن‌ها را برآورده نکند، کوچک شمرده و رد می‌کنند و آن‌هایی را قبول می‌کنند که باب میلشان باشد و می‌گویند این است که نبی رسول خدا تشریح کرده است و سنتی است متبع که از جانب خداوند به آن دستور داده شده است! محمد هفت سال بر آن‌ها حکومت کرد». مؤلف در وقایع سال ۹۳۸ یونانی [۶۲۷/۶۲۶] چنین می‌گوید: «محمد پادشاه و پیامبر عرب درگذشت و ابوبکر به مدت پنج سال زمام امور را به دست گرفت». (Harrak, 1999: 141)

روایت هشتم: مار میخائیل اعظم سریانی

مار میخائیل اعظم سریانی (۱۱۶۶-۱۱۹۹ م) در تاریخ خود آورده است: «سال ۹۳۳ [یونانی] دوازدهم هراکلیوس و مطابق با سی سوم کسری، پادشاهی اعراب (مسلمانان) زمانی آغاز شد که شخصی به نام محمد از قبیله قریش در منطقه یثرب ظاهر شد و گفت که او پیامبر است و پیروان او را «مسلمین» یا «اسماعیلیون یا هاجریون» می‌نامند... محمد بن عبدالله برای تجارت به فلسطین می‌رفت و در پی گفتگو با یهودیان، از عقیده آنان در مورد وحدانیت خداوند مطلع شد. چون مردم قوم خویش را در حال پرستش سنگ و چوب و دیگر موجودات می‌دید، عقیده یهودیان را پسندید و به آن روی آورد و چون به وطن خود بازگشت، این عقیده را به امت خویش ارائه کرد. پس اندک‌اندکی از او اطاعت کردند، سپس زیاد شدند و چون قوی شد، رسماً دستور داد که از او اطاعت کنند و گاهی تهدید می‌کرد و گاه سرزمین فلسطین را می‌ستود و می‌گفت: خدای واحد به خاطر ایمانشان به این مردم (قوم یهود) زمین طیبی داده است. او همچنین به آن‌ها گفت: اگر از من اطاعت کنید و این خدایان دروغین را رد کنید و به خدای یگانه ایمان بیاورید، خداوند آن سرزمین نیکو را به شما خواهد داد... و شروع به فرستادن هیئت‌هایی به فلسطین کرد تا به آن‌ها چیزهایی را نقل کنند که با شنیدن آن به او روی بیاورند و تصدیقش کنند. خود نیز چند بار بدانجا سفر کرد و بدون اینکه آسیبی ببیند، با غنیمت برگشت و قوم به خاطر تمایلشان به ثروت که به عادت تبدیل شده بود، به سخنان او اطمینان پیدا کردند، حتی کسانی که هنوز از او اطاعت نکرده بودند و غارت می‌کردند، چون دیدند که پیروان او ثروتمند شده‌اند، پس از او پیروی کردند؛ و بعد از اینکه تعداد مریدانش زیاد شد، دیگر شخصاً ریاست هیئت‌ها را در دست نمی‌گرفت، بلکه دیگران را برای رهبری لشکر خود می‌فرستاد و خود در شهر می‌ماند و دیگر از روش اقناع‌سازی برای پذیرش مذهب خویش استفاده نمی‌کرد، بلکه از شمشیر و هر کس مقاومت می‌کرد، کشته می‌شد. (مار غریغوریوس، ۱۹۹۶: ۲۹۸)

و مارمیخائیل سریانی درباره غزوات نبوی اضافه می‌کند: «پس از مدتی، لشکریانش به

مناطق حمله کردند و [زنان] را به اسارت گرفتند و چون نفوذش گسترش یافت، خراج را بر کشورهای تحمیل کرد و پادشاهی پایدار بر آن‌ها برپا ساخت؛ و با انتقال تسلسلی خلافت از شخصی به شخص دیگر بیشتر قدرت یافت؛ بنابراین بسیاری از مناطق روم را تحت سلطه خود درآوردند، سپس پادشاهی پارسیان تحت سلطه آن‌ها درآمد و او برای آن‌ها قانونی وضع کرد به اعتبار اینکه خداوند آن را بر او نازل کرده است و به آنان آموخت که به خدای یکتا و خالق همه و یک اقتوم ایمان بیاورند که نه می‌زاید و نه زاییده شده و نه همتا و شریکی دارد و او کتاب‌های موسی و پیامبران و بخشی از انجیل را می‌پذیرفت؛ اما او بیشتر آن را ترک کرد و به امور ساده گرایش داشت. (همان: ۲۹۹)

مؤلف در ادامه می‌افزاید: «قبلاً ذکر کردیم که پادشاهی مسلمانان چگونه ایجاد شد و چطور در طول حیات محمد، هجوم و غارت و کمین می‌کردند و پس از مرگش، ابوبکر جانشین او شد، پس چهار فرمانده را با لشکر روانه بلاد کرد. رؤسای لشکریان، یکی به فلسطین، دیگری به مصر، سومی به ایران و چهارمی جهت مقابله با اعراب مسیحی رفتند و همه پیروز بازگشتند». (همان: ۳۰۶)

روایت نهم: ساویرس ابن مقفع

مؤلف در تاریخ ساویرس ابن مقفع (۹۱۵-۹۸۷ م)، مشهور به تاریخ بطارکه که به عربی نوشته شده است، ماجرای تغییر دین اجباری یهودیان را ذکر می‌کند، سپس می‌گوید: «پس از چند روز مردی از اعراب، از نواحی قبله از مکه و اطراف آن قیام کرد و نامش محمد بود و بت پرستان را به معرفت خدا دعوت کرد و (بر آنان واجب بود) بگویند که محمد فرستاده اوست. امت او از بدن ختنه می‌کردند، نه به شریعت و به طرف قبله مشرف به جایی که کعبه می‌گفتند، نماز می‌خواندند و پادشاهی دمشق و شام و آن سوی اردن را گرفتند و خداوند ارتش روم را در مقابل او ناکام می‌گذاشت». (ساویرس بن المقفع، ۱۹۶۸: ۱۲۰)

شواهد تاریخی جزئی موجود در دیگر مخطوطات و مصادر غیراسلامی

در وثیقه اسقف صفرونیوس دمشق (۵۶۰-۶۳۴م)، مخطوطات هندی (زمان ملک جاکروانی موجود در لندن)، مصادر چینی (کتاب خوی چاو «سفر به دول پنج‌گانه هندی» در سال ۷۲۳م، دو خوان در کتاب «فرنامه» در سال ۷۵۱م)، مصادر ایرلندی (کتاب القدس نوشته راهب ادومان ایونی ۶۲۵-۷۰۴م) و کتاب تاریخ مصر نوشته یوحنا نقیوسی، در همه این مصادر ضمن اشاره به برخی از فتوحات و شرایع اسلامی، به برخی از اصحاب و نام محمد رسول‌الله تصریح شده است. (شرح کتاب الرحلة إلى الدول الخمسة الهندية؛ تشانغ بی، ۱۰۱؛ تاریخ مصر لیوحنا النیقوسی؛ رؤیة قطیبة للفتح الإسلامی؛- Brendan Lehane, 2005: 222; Ste-phen J. Shoemaker, 2021: 233)

نتیجه‌گیری

اسپنسر نخستین فردی است که به‌طور مستقل با تکیه بر آثار دیگر مستشرقان تجدیدگرا مسئله تردید در وجود تاریخی پیامبر اسلام ﷺ را دو کتاب خویش دنبال نموده است. منشأ و خاستگاه تردید در وجود تاریخی پیامبر اسلام مبتنی بر تشکیک در منابع و مصادر اسلامی است که حداقل یک قرن بعد از وفات ایشان تدوین یافته است. در کنار تردید در وجود تاریخی پیامبر ﷺ، خاستگاه مکانی ایشان در مکه و قبیله قریش هم مورد انکار واقع شده است. برخلاف تصور و پنهان‌کاری جریان تشکیکی استشراقی، وجود تاریخی پیامبر اسلام در تاریخ جهانی بر پایه‌های مستحکمی استوار است که کمتر در مورد سایر انبیا می‌توان جستجو کرد.

منابع

منابع عربی

١. القرآن الکریم
٢. کتاب المقدس
٣. ابراهیم خلیل احمد. (١٤١١ق). محمد ﷺ فی التورات و الانجیل و القرآن. بیروت: مکتبه الوعی
٤. شانغ بی. (٢٠١٤م). الرحلة إلى الدول الخمسة الهندية
٥. ساویرس بن المقفع. (١٩٨٦م). تاریخ بطاركة الكنيسة المصرية: المعروف بسیر البيعة المقدسة. قاهره: المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقية
٦. مار غریغوریوس. (١٩٩٦م). تاریخ مار میخائیل الكبير بطریق أنطاكية. صلیبا شمعون. دمشق: دار ماردين
٧. یوحنا النیقوسی. (١٩٩٦م). تاریخ مصر: رؤية قبطية للفتح الإسلامی. تحریر وترجمة روبرت هویلاند. مطبعة جامعة أكسفورد

منابع لاتین

1. Anonymous. (2009). Doctrina Jacobi Nuper Baptizati. In P. van der Horst (Ed.), Zutot, 6(1). 1-6. Leiden: Brill
2. Bangert, K. (2016). Muhammad: Eine historisch-kritische Studie zur Entstehung des Islams und seines Propheten. Wiesbaden: Springer VS
3. Lehane, B. (2005). Early Celtic Christianity. London: A&C Black
4. Brown, J. A. C. (2004). Muhammad: A Very Short Introduction. Oxford: Oxford University Press
5. Bultmann, R. (1952). The New Testament and Mythology and Other Basic Writings. New York: Harper & Row
6. Cook, M. (1983). Muhammad (Past Masters). Oxford: Oxford University Press.

7. Crone, P., & Cook, M. (1977). *Hagarism: The Making of the Islamic World*. Cambridge: Cambridge University Press
8. Donner, F. (2010). *Muhammad and the Believers: At the Origins of Islam*. Cambridge, MA: Harvard University Press
9. Gibson, D. (2011). *Quranic Geography: A Survey and Evaluation of the Geographical References in the Qur' ān with Suggested Solutions for Various Problems and Issues*. Saskatoon, Canada: Independent Publishing
10. Harrak, A. (1999). *The Chronicle of Zuqnin, Parts III and IV: A.D. 488-775*. Toronto: Pontifical Institute of Mediaeval Studies
11. Holland, T. (2012). *In the Shadow of the Sword: The Birth of Islam and the Rise of the Global Arab Empire*. New York: Doubleday
12. Hoyland, R. G. (1997). *Seeing Islam as Others Saw It: A Survey and Evaluation of Christian, Jewish, and Zoroastrian Writings on Early Islam*. Princeton, NJ: Darwin Press
13. Ibn Warraq. (2010). *Virgins? What Virgins? And Other Essays*. Amherst, NY: Prometheus Books
14. Jansen, H. (2008). *Mohammed: Eine Biographie*. Munich: C. H. Beck
15. Lessing, G. E. (1957). *Theological Writings*. Stanford, CA: Stanford University Press
16. Lewis, B. (2003). *The Crisis of Islam: Holy War and Unholy Terror*. New York: Random House
17. Luxenberg, C. (2007). *The Syro-Aramaic Reading of the Koran: A Contribution to the Decoding of the Language of the Koran*. Berlin: Verlag Hans Schiler
18. Met'reveli, R., & Jones, S. F. (Eds.). (2014). *Kartlis Tskhovreba: A History of Georgia*. Tbilisi: Artanuji Publishing
19. Michaelis Psellos. (1990). *The Chronographia*. Translated by W. J. Aerts. Berlin: De Gruyter
20. Nevo, Y. D., & Koren, J. (2003). *Crossroads to Islam: The Origins of the Arab Religion and the Arab State*. Amherst, NY: Prometheus Books
21. Ohlig, K. H., & Puin, G. R. (2007). *The Hidden Origins of Islam: New Research Into*

Its Early History. Amherst, NY: Prometheus Books

22. Puin, G. R. (1996). Observations on Early Qur'an Manuscripts in San'a. In G. S. Reynolds (Ed.), *The Qur'an in its Historical Context*. London: Routledge

23. Said, E. (1978). *Orientalism*. New York: Pantheon Books

24. Said, E. W. (1981). *Covering Islam: How the media and the experts determine how we see the rest of the world*. New York: Pantheon Books

25. Sebeos. (1999). *The Armenian History Attributed to Sebeos*. Translated by R. W. Thomson, with historical commentary by J. Howard-Johnston. Liverpool: Liverpool University Press

26. Shoemaker, S. J. (2021). *A Prophet Has Appeared: The Rise of Islam Through Christian and Jewish Eyes*. Oakland, CA: University of California Press

27. Sinai, N. (2017). *The Qur'an: A Historical-Critical Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press

28. Spencer, R. (2021). *Did Muhammad Exist? An Inquiry into Islam's Obscure Origins—Revised and Expanded Edition*. New York: Bombardier Books

29. Theophanes (the Confessor). (1977). *The Chronicle of Theophanes Confessor*. Translated by C. Mango & R. Scott. Oxford: Oxford University Press

30. Thomas the Presbyter. (Circa 640). *Chronicle (Entries 147–148)*. In R. G. Hoyland, *Seeing Islam as Others Saw It: A Survey and Evaluation of Christian, Jewish, and Zoroastrian Writings on Early Islam* (p. 12). Princeton, NJ: Darwin Press

31. Thomson, R. W. (1996). *Rewriting Caucasian History: The Medieval Armenian Adaptation of the Georgian Chronicles*. Oxford: Oxford University Press

32. Wansbrough, J. (1977). *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation*. Oxford: Oxford University Press

33. Wansbrough, J. (1978). *The Sectarian Milieu: Content and Composition of Islamic Salvation History*. Oxford: Oxford University Press

A Critical Analysis of the Questioning–Denying Point of View about the Historical Existence of Hazrat Muhammad (PBUH)

Seyed Taqi Al Muhammad, Nehleh Gharavi Naeeni, Nosrat Nilsaz

Abstract

The question of whether the historical existence of Muhammad (PBUH) is a reality or an illusion is among the bold and skeptical questions and conclusions that have emerged since the 1970s onward among the reformist orientalist movement following the skepticism of Islamic sources and after that, it found independent and popular writings in the western world.

Although the discussions of this class often do not achieve their main goal at first, they inject a spirit of skepticism and doubt into other foundations of Islam within the Islamic community.

In this writing, using an analytical–descriptive method to fully elucidate the origins and formation process of the skeptical–denial perspective regarding the personality of the Prophet of Islam, while pointing to the fundamental arguments of this view in the explication of theories such as the lack of mention of the name of Muhammad in foreign sources contemporary with the beginning of Islam, the unreliability of Islamic narrative heritage, the inconsistency of the geographical characteristics of present–day Mecca with the birthplace of Islam and its Prophet, and the contradictions of radiocarbon testing results of Quranic manuscripts with traditional history, along with a comparative historical approach and methods of persuasion and debate relying on several credible narratives from the contemporary global history of the advent of Islam, the historical reality of him is explicitly established, leaving no room for doubt and denial.

Key words: historical existence of Muhammad (pbuh), skepticism in Islamic sources, reformist orientalism, world history